



نظم و شکل گیری فضایی ناحیه‌ای - منطقه‌ای و سیر تحولات آن

گروه جغرافیای دانشگاه تربیت معلم

ادامه مقاله صفحه ۴۴

تکرار فهرست اصطلاحات دانسته در حالی که در این کتاب اصطلاحات تازه ای از قبیل تسطیح شدگی، هموارشدگی، جداشدگی، بلندشدگی، برخاستگی و امثال آن به کار رفته که می‌توانست در فهرست اصطلاحاتی نشان داده شود.

در کتاب حاضر فهرست موضوعی از محتوای کتاب آمده که اشتباهاً فهرست اعلام نامیده شده، در حالی که اعلام معمولاً به نامهای جغرافیایی و خاصاً اطلاق می‌شود. در این فهرست کلیه مسائل براساس حروف الفبا تنظیم شده که بسیار مفید است ولی فهرستهای دیگری از اصطلاحات علمی و اعلام جغرافیایی مورد نیاز بوده که امید است استاد خيام در جلد دوم کتاب از فراهم کردن آن غفلت ننماید.

کتاب فعلی در حدود ۴۰۰ صفحه و در دو بخش متمایز تدوین شده که بخش اول آن به تعاریف عمومی فرسایشی اختصاص یافته و مباحثی مانند جریان رودخانه ها و تشکیل نيمرخهای فرسایشی و سيكل فرسایش براساس نظرات دیویس و مسائل دیگر وابسته به فرسایش آبهای روان مورد بررسی کافی واقع شده است. در آخرین فصل این بخش انتقادات وارد بر نظرات دیویس که بیشتر به وسیله جغرافیدانان آلمانی ابراز شده مورد بررسی قرار گرفته که به علت حساس بودن مسئله ترجمه آن به دشواری انجام شده است.

بخش دوم و اعظم کتاب به سیستمهای فرسایش بیوکلیمایی اختصاص یافته که با شرح آب و هوای دیرینه آغاز شده و عوامل و نتایج فرسایش اقلیمی در مناطق جغرافیایی مانند نواحی یخچالی شمال آمریکا، نواحی جنگلی اقیانوس، نواحی مدیترانه ای، نواحی خشک و امثال آن به تفصیل در آن مورد بحث واقع شده است و در پایان به فرسایش زمین توسط انسان اشاره کافی به عمل آمده است.

در باره محتوای کتاب مورد بحث مطلب زیادی نمی‌توان گفت چون نویسنده اصلی مسؤلیت آن را دارد و چون نویسنده یک استاد عالیقدر و با تجربه ولی اروپایی می‌باشد طبیعی است که به چشم اندازهای اروپایی و آمریکایی و بخصوص نواحی شمالی و یخچالی اروپا و آمریکا توجه بیشتری معطوف نموده که از نظر ما که با آن چشم اندازها آشنایی نداریم ممکن است چنین توجهی بیشتر از حد لازم جلوه کند در حالی که ممکن است انتظار داشته باشیم که درباره چشم اندازهای نواحی خشک و نیمه خشک مانند کشور ما بسط بیشتری در کتاب داده شده باشد.

اما از نظر ترجمه باید گفت که دکتر خيام مانند دیگر مترجمان کتابهای علمی و فنی با مشکل گزینش اصطلاحات علمی معادل در زبان فارسی مواجه بوده و در نتیجه ناگزیر شده است که در بسیاری موارد عین اصطلاح خارجی را در کتاب خود به کار برد. استاد در کتاب اول خود یعنی در مبانی ژئومورفولوژی فهرستی از اصطلاحات علمی متضمن حدود ۵۰۰ واژه آورده که براساس الفبای فارسی تنظیم شده و قطعاً کمک بزرگی برای دانشجویانی بوده است که با مراجع خارجی سروکار داشته اند ولی متأسفانه چنین فهرستی در کتاب مورد بحث ما نیامده است. ظاهراً استاد به خاطر فهرست کتاب اول، خود را بی‌نیاز از



تحولات عمیقی که امروز در دیدگاهها و مطالعات جغرافیایی به وجود آمده است، لزوم تجدید نظر در الگو، مدل‌های تجسم فضایی و روش‌های مطالعات ناحیه ای - منطقه ای را ضروری ساخته است. سرعت روند تحولات در مفاهیم و اندیشه های جغرافیای ناحیه ای - منطقه ای، آمایش و برنامه ریزی آن ایجاب می‌نماید که توزیع فضایی هر یک از عوامل تشکیلاتی، جایگزینی قطب های اصلی و نقاط نقل، شبکه مکانهای مرکزی و نظم سلسله مراتبی آنها در قالب ناحیه و منطقه مورد بازبینی قرار گیرد. در نتیجه ترسیم و نمایش این عوامل در درون مجموعه های فضایی مرتبط به هم نیز دچار دگرگونی می‌گردد. بعلاوه مباحث سنتی ناحیه - منطقه و تجسم فضایی آنها امروز به بحثی از خصوصیات کلی و سیستماتیک و درهم پیچیده ای تبدیل شده است که درک عناصر و منجمله روابطی که هر مجموعه را توصیف می‌کند نمی‌تواند در یک مقیاس واحد عرضه گردد؛ بلکه در مقیاسهای مختلف قابل درک است. در این راستا بی شک وابستگی متقابل مسائل اقتصادی - اجتماعی و فیزیکی (کالبدی) به علث نزدیکی مکانی با محیط یا فضاهاى محلی به صورت پدیده ای بنیاد مشخص و بهم وابسته اهمیت پیدا می‌کند؛ بنابراین باید همواره در مطالعات و برنامه ریزیهای منطقه ای - ناحیه ای مورد توجه واقع شود. کاربرد نقشه، عکس های هوایی و تصاویر ماهواره ای در تجسم اشکال فضایی نواحی و مناطق یکی از عوامل اصلی و مهم در چنین ارتباطی می‌باشد؛ که دستیابی سریع به اطلاعات جغرافیایی رافراهم می آورد. و بدین طریق به عنوان ابزار تحلیل فضایی سازماندهی و توسعه را در اشل ناحیه ای - منطقه ای ممکن می‌سازد.

۱) سیر تحولات مفاهیم ناحیه ای و منطقه ای در گذشت زمان

در گذشته، یک قلمرو جغرافیایی با مجموعه عوامل تشکیلاتی مشترک یک وحدت جغرافیایی در آن سرزمین به وجود می آورد؛ که مرزهای آن با یک طیف نسبتاً روشن با نواحی و سرزمینهای مجاور جدا و با این وسیله مجموعه خیلی مشخص عوامل طبیعی را از هم‌دیگر مجزا و مرزهای ناحیه ای مشخص می‌گردید. بدین طریق نواحی در تلفیقی از حقایق طبیعی با نیازها و دخالت‌های انسانی توجیه و مشخص می‌شدند. این نواحی همچون افراد و شخصیت ها وجود داشته و جغرافیدانها سعی می‌کردند ضمن نگارش جامع، جزئیات چهره نواحی را تشریح، و موجودیت آن را اثبات نمایند. بایشرف علم جغرافیا و تقسیمات آن شاخه جغرافیای ناحیه ای به خاطر برقراری وحدت جغرافیا شکل گرفت؛ و در اکثر کشورها و مکاتب جغرافیایی جهان به اشکال مختلف نمایان گردید. لهذا طرز تفکر ناحیه ای به دور از تجزیه و تحلیل های فضایی تا مدتهای مدیدی ادامه داشت^۱؛ و فکر توصیف ژرف ناحیه ای به عنوان دقیق ترین استدلال و تعقل جغرافیایی باقی ماند^۲.

به دنبال تحولات اجتماعی - اقتصادی در زندگی انسان ایجاد فضاهاى متنوع سیاسی، مرزها و محدوده های خاص اداری و مهمتر از همه گرایش به شهرنشینی و پیدایش شهرهای بزرگ و کوچک در سراسر کره زمین نظام شکل گیری نواحی - منطقه ای به کلی دگرگون شد، و شکل فضایی آن تغییر یافت.

واژه ناحیه منطقه باز دست دادن فضای ساده توصیف فضایی و سیاسی اولیه خود نماینده گستره فضایی مجموعه هایی گردید که مشخصه های آن توسط عوامل متعدد از جمله صنعت، سرمایه، شهرهای بزرگ و تصمیم گیریهای ملی تعیین می‌گردید.

به طور کلی اگر قبول کنیم که در محلی هستیم که تنها در محدوده یک ناحیه قرار ندارد، بلکه با تعداد زیادی از مجموعه های فضایی در ارتباط است، دیگر کافی نیست که کتاب باز طبیعت را بخوانیم؛ بلکه باید با همه توان از ابزار ادراکی استفاده کنیم تا به حقایق دست یابیم که با چشم غیر مسلح امکان دیدن آنها نیست. بدین ترتیب با توجه به حقایق و تحولات ملموس عصر حاضر و سرعت روند تحولات لزوم بازنگری در اندیشه های جغرافیای ناحیه ای - منطقه ای مسلم و حتمی به نظر می‌رسد.

۲) سیر تحول الگو و مدل‌های توسعه ناحیه ای - منطقه ای

اگر جغرافیا را در مقاطع زمانی نسبتاً نزدیک در مسیر تحولات علوم انسانی یعنی از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بررسی نمایم، متوجه می‌شویم که همیشه اصول و معیارهایی به صورت بنیادی در مطالعات ناحیه ای - منطقه ای مورد توجه بوده است. در آن میان معیارهای طبیعی، انسانی، حوزه نفوذ با روابط اقتصادی - اجتماعی حاکم بر آن و بالاخره تعلقات ملی و سرزمینی از مهمترین آنها بوده اند. در طول تاریخ علم جغرافیا، توجه به محیط طبیعی و تقسیم مناطق و نواحی بر حسب آن اهمیت داشته است. به طوری که تا اواسط قرن نوزدهم نقشه تقسیمات ساختمانی بر این مبانی ترسیم، و توجه به عوامل طبیعی منجر به پیدایش نظریه های مختلف از جمله محیط گرایی و یا جبرگرایی در جغرافیا گردید^۳.

با گذشت زمان و پیشرفت علم و تکنیک و روابط انسانی نقش عوامل طبیعی روبرو ضعف گذاشته، و امروز تمام کره زمین با آن اشل بزرگ خود با تنوع عوامل طبیعی و ارتباطات انسانی به ناحیه بندی آن بر مبنای عوامل طبیعی اجازه نمی‌دهد؛ و منطق همگنی طبیعی یا فیزیکی به طور غالب یک منطق و مصداق قابل قبول برای ناحیه ای کردن کره زمین نمی‌تواند باشد^۴.



عوامل وحدت انسانی نیز در گذشته و حال یکی از عوامل مشخصه نواحی جغرافیای تئوریک و کاربردی بوده است. و وظیفه اصلی جغرافیا در حقیقت عبارت از طبقه بندی صحیح فضاها می باشد که در زمین و معرفی کردن ویژگیهای مشترک آنها بیشتر در مفاهیم انسانی بود. باین همه کلیه بنیادهایی که در شکل گیری نواحی از نظر انسانی وجود داشته و دارد یک قالب قابل تغییر و قابل تعدیل است. یکنواختی فضایی در شرایطی که دخالت های انسانی را در نظر بگیریم از بین می رود؛ مخصوصاً با نمود عوامل اجتماعی - اقتصادی و روابط انسانی که جریانات مختلف و ناهماهنگ خودبخود یک نوع وابستگی و سلسله مراتبی را بوجود می آورد، که بدان وسیله یکنواختی را برهم می زند. اصولاً تفکر سیستم فضایی بجای یکنواختی ناحیه ای - منطقه ای امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

خلاصه اینکه تحولات نظام های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی به تحول در نوع معیشت و بالاخره در محیط زیست انسانی و بالمآل به صورت پدیده های مختلف و با انعکاسی از مجموعه عملکردهای انسانی در سطح کره زمین ظاهر می گردد. بدین شکل نظم خاصی از آرایش و سازمان یابی در گستره ای از کره زمین حاصل می شود؛ که با سیما و منظر گذشته متفاوت، و از نظر روابط تشکیلات درونی نسبت به گذشته متحول و دگرگون گشته است. آنچه در گذشته با یک مجموعه نسبتاً همگن و گاهی مختلف الجنس ولی با یک سری وحدت از نواحی اطراف خود مشخص می شد، و نقاط نقل این مجموعه ها به عنوان مرکز تشکیلات اورگانیکی، منبث از مجموعه فضایی بدون توجه به نقش و عملکرد اجرایی آن یک حرکت متقابل به مرکز را و وجود آورده بودند و بالاخره در یک جریان نسبتاً مستقل بدون وابستگی بنیادی به مجموعه های دیگر و سلسله مراتب پرآکندگی جوامع انسانی در یک حالت کم و بیش بسته و پولاریزه ،

سازماندهی شده بوده امروز مفهوم فضایی خود را در یک شبکه تشکیلاتی در هم پیچیده به صورت یک سیستم ناحیه ای - منطقه ای که هر یک از اجزاء آن نقش خاصی را در داخل آن سیستم بازی می کنند نشان می دهد. نقطه نقل یا مرکز تشکیلات با حفظ قدرت و اعتبار بیشتر نقش محوری در داخل این سیستم بر عهده دارد؛ که در ارتباط با مراکز قدرت و تصمیم گیری نقش اصلی سازماندهی فضایی را به خود اختصاص داده است. عدم تعادل با پیدایش هسته های ثانوی و بالاخره پیدایش یک شبکه شهری ناحیه ای روز به روز به حداقل می رسد.

بدین ترتیب الگوها و مدل‌های فضایی؛ از توجه به نمودار فضایی به صورت توصیفی و جایگزینی اجزاء اورگانیکی بدون توجه به روابط آنها خارج شده، و نگرش سیستمی در داخل یک نظام به هم پیوسته و روابطی که در سطوح و مقیاسهای مختلف عمل می کنند جایگزین آن می گردد. و بالاخره بنیادهای اجتماعی - اقتصادی در داخل یک نظام تصمیم گیری با هدف و ایدئولوژیهای خاص و آینده نگری اساس پژوهشها را در داخل این سیستم تشکیل می دهد.

نتایج این طرز تفکر و تحول تئوریکی دگرگونی در مدل‌های تجسم فضایی را موجب می گردد. اصولاً واژه ناحیه - فقط یک واژه عام است که مجموعه سازماندهیهای سرزمین در ابعاد مختلف را دربر دارد. اولین تمایز در ناحیه بندی با شرایط و بنیادهایی که ساختار فضایی موجود را تشکیل می دهند، با شکل و ساختاری که مورد نظر است قابل تشخیص است. ساختار موجود نتیجه بازیهای عوامل جغرافیایی و عوامل متعددی است که در آن دخالت دارند. در صورتی که ساختار ناحیه مورد نظر نتیجه احتیاجات جوامع انسانی است که بدنیال سازماندهی اجزایی، دخالت ها، آمایش و برنامه ریزیها تجلی حاصل می نمایند.

تمایز بین این دو حالت و مرحله کاملاً مشخص نیست. دانستن توانستن پسرعمو پسر خاله همدیگر هستند. ساختار ناحیه - منطقه موجود نتیجه عملکردها و تصمیم گیریهای متعددی است که همه آنها واضح نیستند؛ و اکثراً هم از نیروها و تصمیم گیریهای خارجی حاصل نمی شود. و نظم دادن چنین روند طبیعی و اختیاری با بهره گیری از الگوها و مدل‌های امکان پذیر است که در عین پیوستگی با بنیادهای ناحیه - منطقه، در تحقق اهداف و رفع نیازهای آتی گام بردارد.

در طراحی های گذشته عوامل تشکیلاتی ناحیه منجر به پیدایش هسته یا مرکزی می شد که شخصیت آنچنان متفاوت با مجموعه های اطراف خود نداشت؛ و مرکز هر یک از نواحی بعنوان قطب اصلی و نقطه نقل یک نظم ساده از سلسله مراتب بدون واسطه شهری و روستایی بوجود می آورد. و در نتیجه شهر یا مرکز ناحیه فرآیندی از کلیه تحولات و نیازهای ناحیه بود، که به صورت یک جامعه انسانی با جمعیت بیشتر، و با یک سری برتریهایی نسبی خود را به ثبت می رساند.

در این میان استقرار در مجموعه ساختارهای منطقه ای و ملی و شاید قاره ای و گروهی (اقتصادی - اجتماعی - سیاسی) اثرات متفاوتی را در شکل گیری فضایی ناحیه ای - منطقه ای ایجاد می کند؛ که ساختار فضایی در درون هر یک از آنها، مدل‌های متفاوتی را عرضه می نماید. اشکال این جایگزینی در مدل‌های تحول شماره ۱ نشان داده شده است. تحول مدل فضایی ناحیه - منطقه نیز به دنبال تحول اقتصادی اجتماعی حاصل می گردد؛ که در مرحله اول به عنوان قطب های اصلی و نقطه نقل هر یک از نواحی مستقل، و سپس با پیدایش یک قطب یا هسته مرکزی، و بالاخره با پیدایش هسته های مرکزی ثانوی و پیدایش یک سیستم از شبکه شهری - ناحیه ای با سازماندهی فضایی پیچیده، و مجموعه های



مختلف فضایی که ممکن است در مقیاس ملی - منطقه ای بوجود آید شکل می‌گیرد.
۳) تجربه های عملی و ملموس از تحول مدل‌های ناحیه ای - منطقه ای در تبدیل به نقشه های جغرافیایی

مدل موقعیت مکانی نواحی و مناطق جغرافیایی (شماره ۱) الگوی اولیه را در بررسی نواحی و مناطق جغرافیایی نشان می‌دهد. تجربه عملی و ملموس از این مدل با استفاده از نقشه ها با مقیاس های مختلف و ویژگیهای خاص امکان پذیر است. در بکارگیری این مدل یک ناحیه یا منطقه در رابطه با فضاهای پیرامونی و واحدهای طبیعی، سیاسی، اقتصادی همجوار موقعیت ویژه ای را نشان می‌دهد؛ که سایر نواحی و مناطق از چنین موقعیتی برخوردار نیستند. توجه به این ویژگیهای اولیه موقعیت عمومی هر یک از مناطق و نواحی را نشان می‌دهد که با موقعیت خاصی که محدود به محل موردنظر می‌باشد متفاوت است. و در حقیقت مرزهای طبیعی، سیاسی و اجتماعی مشخص کننده جایگاه آن در سطح ملی یا قاره ای می‌باشد. نقشه شماره ۱ موقعیت مکانی منطقه قراچه داغ (شهرستان اهر) را در رابطه با ویژگیهای منطقه ای ملی و فراملی در رابطه با مدل ارائه شده نشان می‌دهد.

مسائل مربوط به سیستم شبکه ناحیه ای - منطقه ای با یک مجموعه فضایی در جدول شماره ۲ و نقشه شماره ۳ نشان داده شده است. در نقشه شماره ۳ منطقه آذربایجان، در ۴ دوره سرشماری مورد آزمایش قرار گرفته است. انطباق این نقشه با مدل ارائه شده بدنیال تحولات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی در ایران بیانگر تغییر در نظام شبکه فضایی و پیدایش مکان های جدید و شهرهای بزرگ و کوچکی است که شهر متروپل ناحیه (مرکز شهرستان) و منطقه (مرکز ایالت = تبریز)، ضمن این که به یک قطب اصلی مرکزی و نقطه ثقل ناحیه ای منطقه ای تبدیل شده و نقش

محوری را بازی می‌کنند، اجزاء تشکیلاتی دیگر سیستم را با حفظ نقش هر یک از آنها در داخل مجموعه و در ارتباط با همدیگر حفظ کرده است.

نقشه شماره ۵۴ تغییرات در شبکه در سیستم فضایی شهرستان ورامین را نشان می‌دهد. که ضمن قرار گرفتن در حوزه نفوذ شهر تهران و در تبعیت از تغییرات آن در داخل یک نظام بهم پیوسته که منطقه تهران را از ورامین تا کرج، و از دامنه کوههای البرز تا کویر نمک در برمی‌گیرد، به شکل یابی فضایی جدیدی دست یافته است. تغییر در نظام شبکه جوامع روستایی با پیدایش جوامع و شهرک های جدید در عین وابستگی به تهران سیستم فضایی جدیدی را بوجود آورده است؛ که در طول دو سرشماری قابل رویت است. در این سیستم شهر تهران با پولاریزاسیون قوی روی فضای پیرامونی از جمله شهرستان ورامین مجموعه ای از فضای اطراف شهری و شبکه ای از قطبهای ثانوی را در حوزه جاذبه خود نگهداشته است. و شهر ورامین ضمن روابط اورگانیک با شهر تهران به سازماندهی بخشی از فضای پیرامونی خودش دست زده است.^۶

۴- کاربردهای عملی و استفاده از مدل‌های توسعه و نقشه در عمران ناحیه منطقه:

یکی از رسالتهای اساسی برنامه ریزی و عمران در سطوح منطقه ای - ناحیه ای این است که مزینها و اشکال فضایی ناحیه ها و مناطق خاصی در ارتباط با مناطق همجوار و مملکت مورد توجه قرار گیرد. یکی از عوامل اصلی و مهم در چنین ارتباطی به طبیعت جغرافیایی و فضایی مربوط است؛ که در جریان توسعه تسهیل کننده یا بازدارنده، بین ناحیه و مناطق همجوار است. مانند مسافت از مکانهای فعالیت انسانی، کوهها، رودخانه ها، مرزها، نزدیکی به مراکز، بازارهای عمده، دسترسی به منابع مواد اولیه، خاک مساعد و دیگر عوامل عمران و تولید.

چنین ارتباطاتی به بهترین نحو روی نقشه ها قابل اندازه گیری و ارزشیابی هستند. و می‌توانند در زمینه برنامه ریزی توسعه و تحلیل مسائل عمرانی به ویژه فیزیکی (کالبدی) باری کنند. بر روی هم هر دو نوع نقشه در زمینه عمران و توسعه منطقه ای - ناحیه ای سودمندند. (۱) نقشه های کلی در مقیاس 1:100,000 تا 1:250,000 (۲) نقشه های مکان شناسی در مقیاس به اندازه 1:5000.

نقشه نخست ویژگیهای اساسی فیزیکی و جغرافیای انسانی - اقتصادی مانند رودخانه ها، کوهها، راهها، پلها و غیره را نشان می‌دهد. در حالی که طبقه بندی خاکها به صورت تفصیلی، موقعیت فضایی و مکانی، منابع طبیعی و دیگر ویژگیها را روی نقشه های جغرافیایی با مقیاس بزرگتر می‌توان نشان داد.

نقشه هایی که ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی منطقه و ناحیه را توصیف و نمایان می‌سازد، ابزار بسیار مؤثری برای ارزیابی موقعیت کنونی و ارائه راهنمایی در زمینه استراتژیها و فعالیت های توسعه است.

به عنوان مثال، نقشه به روشنی می‌تواند فضاها و مناطقی را نشان دهد که به علت تراکم زیاد و فشرده جمعیت از گروههای کم درآمد یا دارای تعداد زیاد جمعیت بی‌سواد و یا سطح بهداشت نازل نیازمند توجه خاصی است. با استفاده از روش پوششی امکان تفکیک ناحیه ای از منطقه بر حسب موقعیت اقتصادی و اجتماعی و سلسله مراتب آتی (مراکز سطح بالاتر در برابر مراکز سطح پایین تر) و روشهای مختلفی برای اضافه کردن اطلاعات روی نقشه ها وجود دارد که با استفاده از آنها می‌توان نقشه های قابل تحلیل آماده ساخت. باید توجه داشت که نقشه ها کمک های ایستائی نیستند، که صرفاً مختصات فیزیکی (کالبدی) ناحیه یا متغیرهای موجود را نشان دهند؛ بلکه نقشه ها ابزار پویایی را برای تحلیل تشکیل می‌دهند. نقشه ها باید به شیوه ای تهیه شوند



که بتوانند پدیده های عمرانی را توصیف و تشریح کرده، قطب های توسعه و مکانهای آمایشی را پیش بینی نمایند.

ترتیب قرار گرفتن مراکز تجمع و شبکه های ارتباطی در فضاهای خاصی در رابطه با هم‌دیگر نقشه ساختار فضایی را تشکیل می‌دهد. هر منطقه - ناحیه در نتیجه تصمیمات گذشته افراد، مسئولین اجتماعی ساخت فضایی خاصی خود را دارند. تعیین سلسله مراتب خدمات یا فعالیتها و سلسله مراتب سکونتگاهها مسائل دیگری هستند که در نشان دادن درست و صحیح آنها نیاز به نقشه و الگوهای خاصی است و لزوم توجه به نقشه های قابل استفاده را توجه می‌نمایند. بکارگیری تئورهای و الگوهای پیشنهادی در زمینه های مختلف مثل استاندارد، فاصله جمعیت، مراکز خدماتی، مکان های مرکزی و میزان سنج های نهادی دیگر با استفاده از نقشه امکان پذیر است.

برنامه ریزی ناحیه ای - منطقه ای بوجود آمده است، به پیدایش نوعی تفکر، که مجموعه عوامل سیاسی - اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی را بصورت فضایی در ارتباط با مجموعه های فضایی دیگر مورد توجه قرار می‌دهد امکان داده است. علاوه مجموعه مطالعات تئوریک به عنوان ابزار ادراکی و وسیله روشن کردن مسائل و تجزیه و تحلیل ناحیه ای - منطقه ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجایی که اثرات تلاش انسانها در جوابگویی به نیازهایشان در فضای زیست و فعالیت آنها متجلی می‌گردد؛ و به تبع این تلاش توزیع انسانها، فعالیت ها و تجهیزات در فضای ناحیه ای - منطقه ای شکل می‌گیرد، بدین لحاظ نقشه به عنوان اولین ابزار شناخت اولیه و ابزار نهایی برای نشان دادن سازماندهی فضایی اهمیت پیدا می‌کند. و تهیه نقشه های وضع موجود سازمان فضای ناحیه ای - منطقه ای و ملی

خارج از نقشه های پوششی کامل با مقیاسهای مشخص و نقشه های قابلیت طبیعی سرزمین ملی همگام با اهداف توسعه ملی منطقه ای - ناحیه ای راه را برای رسیدن به هدفهای مورد نظر توسعه در برنامه ریزیهای منطقه ای - ناحیه ای هموار خواهد کرد.

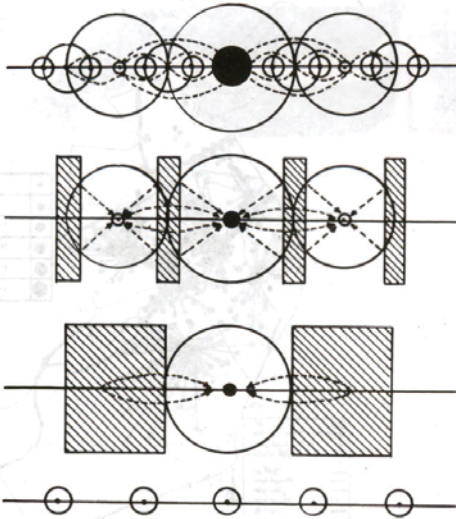
ضرورت استفاده از نقشه ایجاب می‌نماید که مراکز تهیه چنین نقشه هایی تا حد امکان خارج از استفاده از تکنیک های پیشرفته نقشه برداری و نقشه کشی، با مدلهای توسعه الگوهای برنامه ریزی، طرح های آمایش و بالاخره با نیازهای چنین روشهایی، آشنایی پیدا نمایند. بر مبنای این الگو، مدلهای، اهداف توسعه و برنامه ریزیهاست که نقشه های فرضیه توسعه فضای ملی و توسعه هر یک از بخشهای سرزمینی امکان پذیر می‌گردد و نقشه به عنوان ابزار تحلیل فضایی در راستای اهداف توسعه سرزمین و برنامه ریزی نقش و اهمیت واقعی پیدا می‌کند.

خلاصه و نتیجه

تحولات نظام های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی به تحول در نوع معیشت و همچنین در محیط زیست انسانی و بالمآل به صورت پدیده های مختلف و بانمکاسی از مجموعه عملکردهای انسانی در سطح کره زمین ظاهر می‌گردد. در نتیجه الگوهای مطالعاتی و پژوهشی و عمران ناحیه ای - منطقه ای از توجه به یک نمودار فضایی به صورت توصیفی و جایگزینی اجزاء اورگانیکی بدون توجه به روابط آنها خارج شده و نگرش سیستمی در داخل یک سازمان بهم پیوسته و روابطی که در سطوح و مقیاسهای مختلف عمل می‌کنند، جایگزین آن می‌گردد. سلسله تئوراتی که در اندیشه، مطالعات و

۱) ایولاکوست - جغرافیا نخست در خدمت جنگ، ترجمه ابوالحسن سرومقدم، انتشارات آستان قدس رضوی
۲) اصغر نظریان: مبانی و روش مطالعات ناحیه ای در ایران، رشد آموزش جغرافیا سال دوم شماره ۸ زمستان ۱۳۶۵
۳) دکتر یدالله فرید: سیر اندیشه در قلمرو جغرافیایی انسانی - انتشارات دانشگاه تبریز چاپ دوم ۱۳۶۶ ص ۴۳ تا ۵۳

۴) اصغر نظریان: سیر تحولات مفاهیم پژوهشهای ناحیه ای در جغرافیا مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره های ۱۹ و ۲۰
Philippe et Genevieve, PIN-CHEMEL: Laface de la terre, Armand-Colin. paris 1988
۶) اصغر نظریان - گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرکهای آقماری - فصلنامه تحقیقات جغرافیایی - بهار ۱۳۷۰

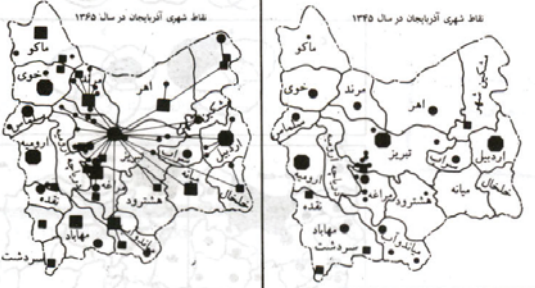
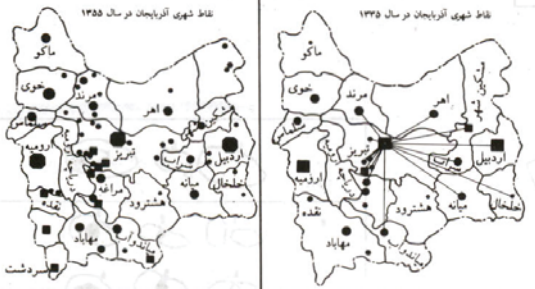


مرحله اول: مراکز محلی نسبتاً مستقل بدون سلسله مراتب پراکنگی جوامع انسانی. ساختار قبل از صنعتی شدن هر شهر در مرکز یک ناحیه کوچک واقع شده است (به غیر از شهرهایی که موقعیت ساحلی دارند). امکانات رشد به سرعت تضعیف می‌شود.

مرحله دوم: یک هسته مرکزی قوی. ساختار از نوع صنعتی مقدمات ایجاد یک فضای پیرامونی فراهم می‌شود. مکانهای صنعتی و کارگران به طرف هسته مرکزی چابہ جا می‌شوند. اقتصاد ملی به طرف هسته یک متروپل ناحیه ای تنها گرایش پیدا می‌کند.

مرحله سوم: یک هسته ملی تنها. هسته های ثانوی قوی در اطراف. در جریان مرحله بلوغ صنعتی مراکز ثانوی ظاهر می‌شود و فضای اطراف به بخشهای قابل کنترل غیر پولاریزه تبدیل می‌شوند.

مرحله چهارم: یک سیستم از شبکه شهری که از نظر نقش مستقل هستند پیدا می‌شود پیچیدگی سازماندهی فضایی که به وسیله تعلق به سیاست ملی و جایگزینی، اهمیت و شخصیت پیدا کرده است و عدم تعادل بین ناحیه ای به حداقل رسیده است.



نقطه شهری	نقطه شهری
●	مرکز شهرستان
●	مرکز شهرستان
●	مرکز شهرستان - نفر ۲۵۰,۰۰۰
●	۱۰,۰۰۰ تا ۲۵۰,۰۰۰
●	۱,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰
●	۲۵,۰۰۰ تا ۵۰,۰۰۰
●	۱۰,۰۰۰ تا ۲۵,۰۰۰
●	۵,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰
●	۱,۰۰۰ تا ۵,۰۰۰
●	۲۵۰,۰۰۰ تا ۵۰۰,۰۰۰
●	۵۰,۰۰۰ تا ۲۵۰,۰۰۰
●	۱۰,۰۰۰ تا ۵۰,۰۰۰
●	۱,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰



کتابخانه سازمان چتر انبساطی نیروهای مسلح
تاریخ
شماره

